یادداشت روز

۱۰ نکته درباره یک ادعا

چندی پیش سخنگوی ارتش عربستان اعلام کرد؛ «عربستان سعودی در صورت موافقت رهبران ائتلاف، آماده شـــرکت در تمام عملیات زمینی علیه داعش در سوریه است.» آمریکا به سرعت به این خبر واکنش نشان داد. اشتون کارتر، وزیر دفاع آمریکا گفت: «این خبر بسیار خوبی است.» با گذشت حدود ۱۰ روز از این خبر، روز گذشته اعلام شد ۲۰ جنگنده سعودی در پایگاه هوایی اینجرلیک بر زمین نشسته‌اند. درباره احتمال مداخله زمینی ریاض در جنگ سوریه چند نکته قابل تامل وجود دارد؛

۱- اولین هدف ریاض از اتخاذ این موضع، تقویت روحیه درهم شکسته معارضان مسلح در سوریه است. پیروزی‌های پی در پی چند هفته اخیر در مناطق مختلف سوریه، به خصوص استان حلب، وضعیت تراژیکی را برای شورشـــیان رقم زده است. ریاض با این ادعا می‌خواهد به معارضان روحیه داده و روحیه ارتش سوریه را متزلزل کند. شنود مکالمات بی‌سیمی معارضان در حلب حاکی اســـت آنها به شدت از کشورهای حامی خود -در رأس آنها عربستان سعودی- و نمایندگان سیاسی معارضه که در زمان عملیات نصر ۲-که منجر به شکستن محاصره نبل و الزهرا شد- در ژنو بودند، عصبانی هستند. اولین مخاطب سخنگوی ارتش عربستان فرماندهان عصبانی معارضین هستند که؛ ما شما را فراموش نکرده و پشتتان را خالی نکرده‌ایم.

۲- عده زیادی از تحلیلگران معتقدند موضع ریاض منجر به اقدام عملی نخواهد شـــد و از حد حرف فراتر نخواهد رفت. این تحلیلگران به وضعیت جنگی یمن اســـتناد می‌کنند. در یمن، شـــورای همکاری خلیج فارس به سرکردگی عربستان سعودی تمام ظرفیت نظامی خود را پای کار آورده اما به پیروزی نرسیده است. فارغ از عملیات سنگین هوایی عربستان، نیروی زمینی و میدانی در یمن عملاً مزدور است؛ از سودان گرفته تا شبه نظامیانی از آمریکای لاتین تا آدم‌کش‌های حرفه‌ای بلاک واتر. در چنین وضعیتی ورود زمینی به کارزار سوریه نیز مانند یمن صرفاً با نیروهای مزدور خواهد بود.

۳- واقعیت آن است که عربستان آنچه ۱۰ روز پیش گفت را از چهار سال پیش عملیاتی کرده اســـت. گروه‌های شورشی جبهه النصره، احرارالشام، جیش الفتح، نورالدین زنکی، ارتش آزاد و ده‌ها گروه مســـلح ریز و درشت دیگر در این سال‌ها به نیابت از که در سوریه جنگیده‌اند و عملاً ارتش کدام کشور بوده‌اند؟ عربستان از این گروه‌ها چه حمایتی -اعم از مالی، اطلاعاتی، لجستیکی، سیاسی، رسانه‌ای و...- نکرده است؟ ادعای ورود نظامی به سوریه از ســـوی عربستان قرار است کدام معادله را تغییر دهد و اساساً اگر ریاض برگی برای تغییر معادله داشت، تا کنون رو کرده بود.

۴- یک موضوع جدی در این سناریو، علاقه وافر ریاض به کشاندن پای ارتش آمریکا به زمین سوریه است. آمریکایی‌ها نیز تا کنون مانند عربستان از هیچ تلاشی برای ساقط کردن اسد دریغ نکرده‌اند و تنها کار باقیمانده آنها لشکرکشی مستقیم به سوریه است. حدود ۳ سال پیش وقتی دولت دمشق به دروغ متهم به اســـتفاده از سلاح شیمیایی در جنگ شد، بحث‌ها درباره لزوم حمله مستقیم آمریکا به سوریه بالا گرفت و واشنگتن نیز جنجال‌های سیاسی و رسانه‌ای فراوانی در این زمینه به راه انداخت اما در نهایت ماجرا به توافقی میان سوریه، روسیه و آمریکا برای نابودی سلاح‌های شیمیایی سوریه ختم شد و واشنگتن دست به اقدام نظامی نزد. پاپس کشیدن آمریکا از عملیات مستقیم در سوریه، ریاض را به شدت عصبانی کرد و سران آن رسماً و آشکارا گفتند مسکو و دمشق، واشنگتن را فریب دادند. ریاض به خوبی و بهتر از هرکسی می‌داند ورود به جنگ سوریه بدون همراهی عملی آمریکا خودکشی محض و غیرممکن است. آنها به رئیس جمهور بعدی آمریکا امید بسته‌اند و با این مانورهای سیاسی و تبلیغاتی می‌کوشند زمینه برای ترغیب وی به تجاوز به سوریه را فراهم سازند. سعودی‌ها طی ۱۰ روز اخیر نیز بارها اعلام کرده‌اند عملیات احتمالی زیر چتر ائتلاف به رهبری آمریکا خواهد بود.

۵- کردهای ســـوریه عاملی تعیین‌کننده در معادله پیچیده این جنگ هستند. ریاض اعلام کرده است هدف از ورود به سوریه مبارزه با داعش است. وضعیت میدانی و جغرافیایی صحنه نبرد به گونه‌ای است که بدون همراهی و همکاری کردها، پیروزی و حتی آغاز درگیری با داعش غیرممکن است. مهم‌ترین خط تماس با مناطق اشغالی داعش، در اختیار کردهاست. اگرچه کردهای شمال سوریه هم با آمریکایی‌ها و هم با روسیه و دولت دمشق در تعامل هستند اما در صورت تمایل نیز راه همکاری بسته است. ترکیه، کردها را خـــط قرمز خود می‌داند و در مذاکرات ژنو نیز اصلی‌ترین مخالف حضور آنها، آنکارا بود. طی روزهای اخیر ترکیه بمباران توپخانه‌ای کردها در شمال سوریه را آغاز کرده است. ترکیه اجازه به رسمیت شناخته شدن کردها در این نبرد را نمی‌دهد و بدون اجازه عبور آنکارا، عربستان راهی برای همکاری با کردها نخواهد داشت.

۶- ورود نظامی سعودی به میدان جنگ در شمال سوریه -حداقل از منظر جغرافیایی- بدون همراهی و همکاری ترکیه عملاً ممکن نیست. جدا از موضوع درگیری و مخالفت عمیق آنکارا با کردهای شمال سوریه، این کشور عملاً با کردهای کشور خود نیز در حال جنگ است. ۵ استان کردنشین ترکیه بحرانی است و از این تعداد ۳ استان عملاً شرایط جنگی دارند. رسانه‌های منطقه و جهانی این جنگ داخلی و پرتلفات را به دلایل مختلف سانسور کرده‌اند اما عوارض و نتایج تحمیلی این درگیری را نمی‌توان مهار کرد و اثرات خاص خود را خواهد داشت. در چنین شرایطی ورود ترکیه به جنگ سوریه در کنار عربستان و زیر پرچم آمریکا، مانند ریختن آتش بر امنیت داخلی شکننده و آسیب‌دیده ترکیه است. ترکیه متحمل بیشترین خسارت‌ها از بحران سوریه شده است و نمی‌خواهد با ورود مستقیم به جنگ، این خسارت‌ها و هزینه‌ها را چند برابر کند.

۷- دو مورد فوق مبتنی بر ورود ائتلاف آمریکایی- سعودی به سوریه برای مبارزه با داعش است. فارغ از مسائل و محدودیت‌های خاص جغرافیایی و برآیند بازیگران میدانی این نبرد، راهبرد آمریکا و عربستان در این مقطع به هیچ عنوان جنگ با داعش نیســـت. از منظر آنها داعش یک کارت بازی در میدان سوریه و عراق است که به جای نابودی، باید حفظ و کنترل شود. وجود یک داعش کنترل شده، به آنها قدرت مانور سیاسی و در صورت لزوم نظامی می‌دهد. از بین بردن داعش در این مقطع زمانی کمکی به سعودی‌ها و آمریکایی‌ها نمی‌کند و شاید در کوتاه‌مدت دستاورد تبلیغاتی داشته باشد اما در میان‌مدت و نتیجه نهایی، سود آن در جیب دولت دمشق خواهد بود.

۸- به جز شـــمال سوریه که مختصات و محدودیت‌های آن در بالا ذکر شد، دو منطقه دیگر برای ورود نظامی باقی است. یکی از غرب عراق که با استان دیرالزور هم‌مرز است و به دلیل مخالفت بغداد، امکان ورود گسترده نیروهای سعودی از این منطقه ممکن نیست و در صورت نبود این محدودیت نیز، مسائل فوق درباره کردها و ترکیه همچنان باقی است. راهرو بعدی شرق استان ادلب در همسایگی ترکیه است. ورود گسترده از این منطقه به دلایل خاص جغرافیایی و نظامی، شـــبیه آن است که کسی خود را از ساختمانی چند طبقه به پایین پرت کند و امیدوار باشد، سالم به زمین برسد! ورود از این گذرگاه سخت و کوهستانی، یعنی آغاز جنگ با سوریه، ایران و روسیه. همان چیزی که نخست وزیر روسیه نام آن را جنگ جهانی سوم گذاشت و وزیر خارجه عربستان به سرعت اعلام کرد قصد درگیری با مسکو را ندارد.

۹- آخریـــن منطقه احتمالی برای ورود به میدان جنگ ســـوریه برای سعودی‌ها از طریق مرز اردن در جنوب این کشور است. سه استان کوچک و جنوبی سوریه -سویدا، درعا و قنیطره- با شمال اردن هم‌مرز بوده و فاصله دمشـــق تا مرز اردن حدود ۱۰۰ کیلومتر است. این فاصله نسبتاً اندک -به نسبت فاصله پایتخت با سایر مرزها- چندین بار آمریکایی‌ها را وسوسه کرده است از این مسیر کار دولت اسد را یکسره کنند. فروردین سال ۹۳ بود که رسانه‌ها از طراحی عملیات «تیر خلاص» توسط آمریکا و رژیم اسرائیل برای حمله تروریست‌ها از مرز اردن به دمشق و ساقط کردن اسد خبر دادند. اما وضعیت فعلی متفاوت است. به دلایل مختلف، اردن نمی‌خواهد از سایه خارج شود و نقش پررنگ‌تری در این جنگ برعهده بگیرد. اردن به طور محرمانه با دمشق در ارتباط است و پیروزی اخیر و راهبردی ارتش سوریه در شهر شـــیخ مسکین در استان درعا، با کمک اطلاعاتی اردن انجام شد. حال که ورق جنگ در سوریه برگشته، اردن تمایلی برای شرط‌بندی امنیت خود، روی اسب لنگ عربستان ندارد.

۱۰- نوع و شدت عکس‌العمل ایران و روسیه به تجاوز عربستان به سوریه، خود موضوع مفصل و مجزای دیگری است. تهران و مسکو هرکدام دلایل خاص خود را برای نفرت از ریاض دارند و شـــاید در برابر برخی حرکت‌های ایذایی و تبلیغاتی مانند بمباران هوایی و اعزام عده‌ای نیروی ویژه، عکس‌العمل سختی نشان ندهند اما بدون شک به ریاض اجازه نخواهند داد از خط قرمز تهدید و درگیری با ارتش سوریه عبور کند. عبور از این خط برای سعودی‌ها گران تمام می‌شود.

محمد صرفی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

لیست جریان اشرافی سفره مردم را کوچک‌تر می کند

ســـی ماه از عمر دولت گذشـــته و کمترین تغییری در وضع معیشت مردم حاصل نشده و در عوض آمار تکان‌دهنده و رســـمی از نهادینه شدن مشکلات و تنگناها در تمامی شئون اقتصادی خبر می‌دهد. امـــروز مردمی را می‌بینیم که در سی ماه گذشـــته کمترین گشایش و آرامشی را حس نکردند و آمار و ارقام رسمی از سخت‌تر شدن اوضاع‌شان در ســـال آینده خبر می‌دهـــد! این نه یک ادعا از سوی کیهان،بلکه موضوعی کاملا ملموس برای مـــردم و حتی مورد اقرار صریح حامیان دولت اســـت. به عنوان نمونـــه، روزنامه آفتاب یزد در خردادماه همین امســـال در مقاله‌ای نوشـــت:« بی‌محابا بگویم آقـــای روحانی در طول این مدت برای مردم و قشر نخبه حامی خود، کار خاص و شاقی انجام نداده است! از تورم و کاهش آن می‌گویند: به عنوان یک قلم به دست و کارشناس حقوقی و اقتصادی به تجربه میدان کاری می‌گویم ما هنوز بـــا وجود کاهش اندک تورم به مصیبت رکود مبتلا هستیم و از فشارها و تشریفات زاید در بوروکراسی اداری برای اخذ تسهیلات بانکی برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان چیزی کاســـته نشده است. از آزاد شدن دارایی‌ها و منابع مالی بلوکه شده ایران در خارج از کشور ناشی از فروش نفت جـــز مقدار اندک خبری نیست ... اکنون دولتمردان فقط دوست دارند تنها سخنان شاه‌کلید خود را بشنوند و به حلقه‌های سیاسی و اجتماعی دوم و سوم جامعه کاری ندارند!...»

از ســـوی دیگر دولت بعـــد از آنکه دو ســـال و نیم همه هـــم و غم خود را معطوف برجام و رسیدن به وصال کدخدا کرد،اکنـــون همه توانـــش را برای فتح مجلس دهم بکار بسته تا آنجا که رئیس جمهور از آرزوی قلبی‌اش برای راه یافتن اعتدالیون به مجلس می‌گوید، یک مدیر ارشد نهاد ریاست جمهوری علنا مسئول کارهای انتخاباتی یک حزب منصوب به دولت می‌شود،برادر معاون رئیس جمهور و ســـخنگوی دولت بعد از بســـته شدن لیســـت اصلاح‌طلبان، جایگزین یکی از اصلاح‌طلبان می‌شود و ...! اینها و مستندات بسیار دیگری نشان از علاقه دولت به پهن کردن ســـفره پاستور در بهارستان است. علاقه‌ای که ســـبب شده دولتیان از هیچ مرز و مانع قانونی خجالت نکشند و آشکارا به برنامه‌های خود ادامه دهند.

در این شـــرایط باید پرسید دولت بـــا چه رویی و با چـــه امیدی به عرصه انتخابات وارد شـــده است؟ آیا نسبت به گذشته و رفتار غلط خود متنبه شده یا اینکـــه قصد دارد بازهم از صداقت مردم سوءاســـتفاده کند!؟ نگاهی به لیست‌ها و در اصل کسانی که لیست‌ها را تنظیم کرده‌اند، نشان می‌دهد که دولتمردان نه تنها از آنچه کرده‌اند در پیشـــگاه مردم شرمســـار نیســـتند، بلکه قصد تشدید همان رفتـــار را بی‌توجه به وضع معاش مردم دارند! اما چرا چنین اســـت !؟ آیا دولتمـــردان اساســـا از درد مردم خبر ندارند!؟ یا می‌دانند اما ســـبک و سطح زندگیشان اجازه نمی‌دهد راه دیگری را بروند!؟ یا اصلا کار دیگری بلد نیستند!؟ این احتمالات را دستمایه گزارش امروز کرده‌ایم؛ بخوانید:

طبقه ثروتمند لیبرال‌های مغرور وطنی و برنامه‌ای که ندارند!

کسی نمی‌تواند انکار کند که دولت یازدهم،در دســـت طبقـــه‌ای خاص و ثروتمند است. از شخص رئیس جمهور تا وزرای چند هـــزار میلیارد تومانی تا طیفی از صرافان و دلالان که مهمترین و حیاتی‌ترین مناصب دولت را در اختیار دارند. وقتی صحبت از ثروت چند هزار میلیارد تومانی می‌شود،نخستین چیزی که به ذهن می‌رســـد،این است که این ثروت با چه ســـازوکاری بدست آمده؟!با هوش و نبوغ یا رانت؟!اگر هوش و نبوغ است،پس چرا این موهبت الهی در سامانه مدیریتی این حضرات کمترین تاثیری نداشـــته و بالعکس امور با روشی بدوی و عقب مانده اداره می‌شـــود!؟در اینباره دو اقتصاددان معطوف به دولت،سخنان جالبی دارند؛« تیم اقتصادی دولت فاقد هوشـــمندی لازم در اداره کشور است. برخی افرادی که در دولت مسئولیت دارند سرمایه‌دارانی هستند که مشخص نیست ســـرمایه خود را از کجا آورده‌اند. برخی از وزرا ســـرمایه ۱۰۰۰ میلیارد تومانی دارند. دولت تحـــت حمایت گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذی اســـت که صرفاً به منافع خود می‌اندیشـــند (اینها را دکتر راغفر در مصاحبه با تســـنیم گفته بود اما دکتـــر مومنی در گفتگو با شـــرق، صریح‌تر و شفاف‌تر، نکات را بیان می‌کند: «لیبرال‌های وطنـــی، مغرورهای ناتوان هستند... اینها در مقام حرف و تبلیغات ادعا می‌کنند کـــه علمی نگاه می‌کنند و برای هر مســـئله راه حل مشـــخص دارند اما نیلی(مشاور رئیس جمهور) به صراحت گفته که در دوره سازندگی در دام روزمرگی و واکنش‌های محض افتاده بودیم. ما با پارادوکـــس غرور و ناتوانی روبرو هســـتیم... اینها با فرض اطلاعات کامل، تحلیل‌های اقتصادی را شـــروع می‌کننـــد، بعد بطور طبیعی هر کس را که جور دیگری فکـــر می‌کند، نادان و مغرض فـــرض می‌کنند. اگر دقت کرده باشید نئوکلاســـیک‌های وطنی همین هتاکی را دارند... در فاصله اسفند ۹۳ تا پایان اردیبهشت ۹۴، هفت بار از موضع رسمی گفتند که قطعاً در سال ۹۴ قیمت حامل‌های انرژی را افزایش نخواهند داد. می‌دانید چه قدر غم‌انگیز اســـت. دوباره دارند مشـــروعیت دولت را نزد مردم با سخنان غیرمسئولانه معامله می‌کنند... یک چیز بســـیار خطرناک که امیدوارم گوش برای شنیدن آن در دولت روحانی وجود داشته باشد این است که اینها جای اینکه شکســـت‌ها و فسادها و ناروایی‌ها را ببیننـــد و عبرت بگیرند می‌گویند ما شاهکار کردیم و باوجود افزایش قیمت‌ها، آثار تورمی متناسب آن مشاهده نشد و هنوز جا برای فشار جدید به مردم وجود دارد...» اکنـــون این طبقـــه ثروتمند و اشرافی،که به اذعان کارشناسان معطوف بـــه دولت،هیچ هنر و برنامه‌ای ندارند و مدام در پی گـــران کردن زندگی مردم هستند،لیست انتخاباتی می‌بندند و مردم را به خود فرا می‌خوانند!

ایرباس، راهی برای کاهش کشته‌های جاده‌ای!

وقتی با چنین افرادی قرار است برای مردم تصمیم‌بگیرند چه می‌شود!؟شخصی که در خانه‌ای چون قصر زندگی می‌کند ،اساسا می‌فهمد مستاجری یعنی چه!؟ می‌فهمد حال پدری را که شرمنده دختر و پسرش برای یک معیشت آبرومند و یک سرپناه حداقلی شده است!؟ درک چنین وضعی برای آنها ممکن و متصور نیست چون هرگـــز آن را لمس نکرده‌اند و هر وقت مشکلی هم داشته‌اند، دستشان در کیسه بیت‌المال و جیب هشتاد میلیون ایرانی بوده و اصلا نمی‌دانند نداری یعنی چه! در نتیجه حاکمیت طبقه اشراف و مرفه این می‌شـــود که وزیر راه و مسکن که سی ماه است همه برنامه‌های منطقی برای خانه‌دار شـــدن مـــردم را تعطیل کرده و صرفا به فحاشی علیه برنامه‌های مسکن مهر مشـــغول است! وی تنظیم بازار، جلوگیری از گرانفروشی و رسیدن به داد مردم را کارهایی «کمونیســـتی» می‌داند و رسما درباره مسکن می‌گوید: « مسکن مهر تصویری است از انسان‌هایی که کالا هستند و می‌توانید در هر جایی از این سرزمین آنها را در قفسه جا دهید. نه مسئله شهر را می‌بینید، نه مقام انسان را و نه ساختار اجتماعی را، فقط یکسری قفسه است که می‌توانید در آن هم کالا بگذارید و هم انسان.» این شخص توضیح نمی‌دهد بعد از این حرف ،یک برنامه یک صفحه‌ای در طول سی ماه فعالیت خود داشته است یا فقط متخصص حرفهای ویترینی است!؟نمی گوید طرح مسکن اجتماعی بعد از ســـی ماه به کجا کشید و به واســـطه آن چند متر مسکن برای میلیونها ایرانی منتظر ساخته شد؟فراموش نکنیم وی پیش از این هم مسکن مهر را «مزخرف» خوانده بود در حالی که اخیراً احمد اصغری مهرآبادی (قائم مقام وزیر راه) گفته بود: ۵/۲ میلیون نفر از طریق مسکن مهر صاحب خانه شده‌اند و کیفیت سازه‌های مسکن مهر در حد قابل قبول و استاندارد است.»!این تضاد نشان می‌دهد که امثـــال آخوندی اساســـا نمی‌دانند در مملکت چه خبر اســـت و مردم چه می‌خواهند و دردشان چیست!؟ به خاطر همین اســـت در حالیکه سالانه بیش از بیست هزار نفر در حوادث جاده‌ای جان خود را از دســـت می‌دهند و در حالیکه سهم حمل و نقل هوایی از جابجایی مسافر در کشور، کمتر از دو درصد است،وزیر راه به جای سرمایه‌گذاری برای کاهش این تلفات، با ایرباس قرار داد می‌بند دو هواپیما می‌خرد! آن هم هواپیمایی که تنها در یک فرودگاه ایران امکان فرود دارد! این یعنی آقای وزیر راه و مسکن،نه مسافرت زمینی را می‌فهمد و نه راهی برای کاهش تلفات آن سراغ دارد!

از له شدن زیر چرخ توسعه تا لشکر قابلمه بدست!

اما این حرف امروز نیست و آخوندی و دیگر اشراف دولت یازدهم،اولین مبدعان این روش و این ســـخنان نیستند. سالها قبل هاشمی رفسنجانی،پدر معنوی قبیله قدرت و ثروت یعنی حـــزب کارگزاران سازندگی از«طبیعی بودن له شدن فقرا و مستضعفان زیر چرخ توسعه» گفته بود! همین جریـــان به اصطلاح اصلاح طلب هم وقتی به قدرت رسیده بود و مجلس ششم را در دست گرفته بود،به طور کلی معیشت مردم را به طاق نسیان و فراموشی کوبیده بود و یکی از مدعیان اصلاحات در پاسخ به این پرسش منتقدان که چرا به مشـــکلات اقتصادی مردم رسیدگی نمی‌کنید، پشت تریبون رفته و در توهینی آشـــکار به مردم گفته بـــود: «اگر مرگ موش هم توزیع شود، مردم برای گرفتن آن صف می‌بندند!» همان ایام ،دوستان او نیز از مردم مستضعف و محرومی که با هزار امید و آرزو به مدعیان اصلاح‌طلب رای داده بودند، با عنوان «لشکر قابلمه به دست‌ها» یاد کردند.

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

عمو زنجیرباف!

گفت: تازه چه خبر؟!

گفتم: روزنامه زنجیره‌ای قانون، یکی از یادداشت‌های رادیو فردا- وابسته به سازمان سیا- را با تغییر نام نویسنده آن، به عنوان سرمقاله خود چاپ کرده است!

گفت: کپی کردن مطالب رسانه‌های آمریکایی و انگلیسی و چاپ آن با تغییر نام نویسنده اصلی در روزنامه‌های زنجیره‌ای کار جدیدی نیست. مدتهاست که به این شغل شریف! مشغولند!

گفتم: نویسنده یادداشت رادیو فردا خطاب به روزنامه قانون نوشته است اگر به خودم سفارش می‌دادی مطالب بهتری برایت می‌نوشتم.

گفت: راست میگه! آخه وقتی سازمان سیا با بعضی‌ها خاله خواهرزاده است دیگه این جدایی‌های ظاهری معنی نداره!

گفتم: دیگه چی بگم؟!... یارو به «عمو زنجیرباف» می‌گفت؛ قربون شکل ماهت برم! عمو زنجیرباف گل و گلاب! تو که زحمت کشیدی و زنجیر منو بافتی، دیگه چرا اونو پشت کوه انداختی؟!... عمو زنجیرباف از پشت کوه فریاد زد هیس!!

دیوان محاسبات آمریکا:

واشنگتن قادر به مقابله با موشک‌های بالستیک ایران نیست

دیوان محاسبات آمریکا با انتشـــار گزارشـــی تأکید کرد که واشـــنگتن علی‌رغم هزینه‌هـــای میلیـــاردی از دلارهای مالیات‌دهندگان این کشور قادر به ایستادگی مقابل موشک‌های بالستیک ایران نیست.

به گزارش فارس، طبق گزارش دیوان محاسبات آمریکا، واشنگتن همچنان قادر به محافظت کامل از ســـرزمین این کشور در مقابل موشک‌های بالستیک ایران نیست و این در حالی اســـت که آمریکا میلیاردها دلار صرف یک سامانه دفاع موشکی می‌کند که همچنان اثبات نشده و ناتمام است.

پایـــگاه اطلاع رســـانی «فری‌بیکن» گزارش داد: آژانس دفاع موشـــکی آمریـــکا یا همان (MDA) همچنـــان میلیاردهـــا دلار از دلارهای مالیات‌دهندگان آمریکا را صـــرف فناوری می‌کند که مشخص نیست قابلیت مقابله با حملات موشـــکی ایران یا کره شمالی را داشته باشد.

در ایـــن گزارش آمده اســـت: در حالی کـــه فرماندهان نظامی آمریـــکا تأکید دارند که ســـامانه کنونی احتمالاً می‌تواند با «تعداد اندکی از تهدیدات ســـاده موشک بالستیکی که از طرف کره شمالی و ایران پرتاب می‌شود، مقابله کند» اما آزمایشات واقعی این تجهیزات از ادعای ایـــن فرماندهان نظامی پشتیبانی نمی‌کند و آن را اثبات نمی‌کند.

طبق این گـــزارش، در حالی که آژانس دفاع موشکی آمریکا در تلاش اســـت که یک سامانه دفاع موشـــکی کارآمد به وجود آورد، ایران و کره شمالی در حال توسعه فناوری موشـــک‌های بالستیکی پیشرفته هستند.

فری بیکـــن ادامه داد: آمریکا می‌بایســـت مؤلفه‌هـــای کلیدی سامانه دفاع موشکی «GMD» خـــود را بازطراحی کنـــد و آن را مجدداً مورد آزمایش قرار دهد.

در ایـــن گزارش آمده اســـت: MDA در حین آزمایشات پرواز خود نشـــان نداده که می‌تواند از ســـرزمین آمریکا مقابل تهدیدات کنونی دفاع و پشتیبانی کند.

خبر ویژه

نسخه اقتصادی لیبرال‌ها تورم ۵۰ درصدی را احیا می‌کند

سیاست‌های اقتصادی دولت، نوع جهش یافته سیاست‌های لیبرال سرمایه‌داری اســـت و روحانی نباید با طناب لیبرال‌هایی که تورم ۵۰ درصدی را رقم زدند وارد چاه شود.

وبســـایت الف در تحلیلی نوشت: سامانه کارتهای سوخت یکی از کارآمدترین زیرســـاختهای ایجاد شـــده در دولت گذشته اســـت که می‌تواند ضمن نظارت بر مصرف ســـوخت در مناطق مختلف کشور و شناسایی قاچاق سوخت به خصوص در پمپ‌بنزین‌های کشور، از مسیر سهمیه‌بندی بنزین دو نرخی انگیزه لازم برای صرفه‌جویی و کاهش مصرف سوخت ایجاد کند.

اخیراً وزیر نفت، مجدداً خواســـتار حذف کارتهای سوخت شده است. پیش از این البته بخشی از این کارآمدی با حذف بنزین دو نرخی از بین رفت. وزیر نفت توانســـت با تعیین قیمت یکسان ۱۰۰۰ تومان برای بنزین تنها عامل انگیزشی و تشویقی صرفه‌جویی در مصرف سوخت (یعنی سهمیه تشویقی) را از بین ببرد. اکنون برچیدن زیرساخت کارتهای سوخت می‌تواند گام دیگری در جهت تقویت قاچاقچیان و اقتصاد پنهان در کشور باشد. گامی که مشابه آن در طول ۲ سال گذشته با حذف سامانه‌های شبنم و ایران کد و پرتال ارزی برداشته شده است. برخی معتقدند نتیجه نهایی سیاستهای ضد پالایشگاهی و رهاسازی مصرف سوخت، افزایش وابستگی و حفظ آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در برابر تحریمهای آتی آمریکاست.

الف می‌افزاید: وزیر نفت معتقد اســـت قیمت بنزین هنوز ناچیز اســـت و باید افزایش یابد. وی البته معتقد است این افزایش نباید از مسیر یارانه‌ها جبران شود. پرداخت یارانه به کابوسی برای دولت تبدیل شده و باید متوقف شود. فعلاً برخی از دولتمردان در مقابل زنگنه مقاومت می‌کنند. اما خبرها حکایت از پیروزی طرف زنگنه در این مجادله دارد. دولت در لایحه بودجه ســـال آینده خواستار افزایش ۵ درصدی قیمت انواع فرآورده‌های نفتی از جمله بنزین شـــده است. افزایش قیمت بنزین در حالی پیشـــنهاد شـــده که در حال حاضر به دلیل سقوط قیمت نفت به بشکه‌ای کمتر از ۳۰ دلار، قیمت بنزینی که در جایگاه‌های سوخت عرضه می‌شود، معادل نرخ فوب خلیج فارس (بدون احتساب هزینه انتقال) است. قیمت یک لیتر بنزین با اکتان بالا در بازار خلیج فارس به کمتر از یکهزار تومان و بهای این فرآورده نفتی در بازاری همچون خلیج مکزیک به لیتری کمتر از ۹۰۰ تومان کاهش یافته اســـت. به عبارت دیگر هدف قانون هدفمندی یارانه‌ها که یکسان‌سازی قیمت با فوب خلیج فارس است، محقق شده و معلوم نیست دولت بر چه اساسی خواستار گرانی بیشتر است (احتمالاً کسری بودجه اصلی‌ترین توجیه این پیشنهاد است).

نویسنده خاطرنشان کرد: سیاستهای اقتصادی دولت تدبیر نوع جهش یافته سیاستهای لیبرال سرمایه‌داری است. حتی در کشورهای سرمایه‌داری نیز این چنین ســـریع و شدید برای آزادســـازی بازار اقدام نمی‌کنند. این شدت عمل البته شاید متأثر از رویکردهای سیاســـی در حذف نکات مثبت عملکرد دولت گذشته باشد. سرنوشت سیاستهای خشن لیبرال اقتصادی به تورم و بحران بدهی خارجی منجر می‌شـــود. همان نتایجی که در دولت هاشمی رفسنجانی قله تورم ۵۰ درصدی را به یادگار گذاشـــت. بنابر این توصیه می‌شود جناب روحانی بخاطر حیات سیاسی جریان تدبیر و امید هم که شده در سیاستگذاری اقتصاد انرژی کمی بیشتر تأمل کنند و با این طناب به چاه مشکلات وارد نشود.

آرمان: لیست اصلاح‌طلبان توجه مردم را جلب نمی‌کند

روزنامه حامی هاشـــمی ضمن تأکید بر نارضایتی مردم از لیســـت انتخاباتی اصلاح‌طلبان برای انتخابات مجلس شـــورای اسلامی تأکید کرد، این لیست توان جلب توجه مردم را ندارد.

به گزارش «شـــفاف»، گرچه طی روزهای گذشته اخبار جسته و گریخته‌ای در خصوص نارضایتی بخش‌هایی از جریان اصلاحات از لیست مشترک با حامیان دولت ظهور و بروز کرد اما نحوه چینش لیســـت نیز مـــورد انتقاد حامیان دولت می‌باشد، بگونه‌ای که روزنامه آرمان در گزارشی تأکید کرد هنوز لبخند رضایت بر لبان اصلاح‌طلبان بابت این لیست، ننشسته است.

این روزنامه همچنین با پوشـــش نظرات مخالفین این لیست مبنی بر حضور افراد ناشـــناخته در آن، به ماجرای چینش این لیســـت اشاره کرده و نوشت: نماد اصلاح‌طلبی لیست یعنی اولین اسم آن، محمدرضا عارف است که برای عموم مردم شناخته شده است اما فارغ از اصلاح‌طلب، اعتدالی یا حامی دولت بودن افراد، اسامی دیگری می‌توانست به دنبال نام عارف بیاید که نظر مردم را به سمت وزن فهرست جلب کند. انتخاب راهکار الفبایی که به نظر می‌رســـد برای جلوگیری از حرف و حدیث‌های درون ائتلافی اتخاذ شده است، در این مقطع که دست اصلاح‌طلبان و حامیان دولت با رد صلاحیت‌ها بسته شده است، نمی‌توانست راهکار مناسبی در بستن لیست انتخاباتی باشد. وجود اسامی افرادی چون علی مطهری، علیرضا محجوب و دیگرانی از این دســـت بعد از نام عارف، می‌توانست به معرفی بهتر فهرست این ائتلاف کمک شایانی کند. حال آنکه این اسامی در میان نام دیگران گم شده‌اند.

ایـــن روزنامه در ادامه تأکید کرد: می‌توان گفت کـــه تلاش اصلاح‌طلبان برای تشکیل لیست انتخاباتی که نظر مردم را جلب کند ناکام مانده است چون مردمی که اخبار سیاسی را دنبال می‌کنند و درصدد هستند رأی هفتم اسفند خود را براساس اسامی لیست‌ها در صندوق رأی بیندازند اسامی ابتدایی این لیست خیلی توجه آنها را جلب نخواهد کرد. شاید حتی در میان اهالی رسانه و سیاست نیز بسیاری از این افراد قابل شناسایی نباشند.

بی‌برنامگی دولت ۲ سال پس از ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

وعده اجرای اقتصاد مقاومتی ۲ ســـاله شد اما دولتمردان که مسئول اجرای این سیاست ملی مهم هستند فقط به تعریف و تمجید بسنده کرده‌اند.

روزنامه جام جم در گزارشی نوشت: سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۲ساله شد اما همچنان دستگاه‌های مسئول به وظایف خود در اجرای این سیاست‌ها عمل نمی‌کنند که موجب نارضایتی رهبر معظم انقلاب نیز شـــده است. ۲۹ بهمن ۹۲ رهبر معظم انقلاب، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به دولت ابلاغ کردند و دولت هم اعلام کرد که از این پس برنامه‌های خود را بر اساس این سیاست‌ها تدوین می‌کند، اما کارشناسان عقیده دارند دولت در اجرای اقتصاد مقاومتی خوب عمل نکرده است.

مســـئولان، اقتصـــاد مقاومتی را رد نمی‌کنند و می‌گوینـــد که همه برنامه‌های وزارتخانه‌ها و دیگر دستگاه‌های اجرایی بر اساس این سیاست‌ها تدوین می‌شود.

در چنین فضایی، رهبر معظم انقلاب در دیدار شـــهریور ماه با هیئت دولت خطاب به مسئولان فرمودند کارهای عادی و مسئولیت‌های روزانه را با نام اقتصاد مقاومتی تمام نکنند و در همان جلسه دستور تشکیل ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی را هم صادر کردند.

دکتر ساسان شاه‌ویسی، کارشناس اقتصادی گفت: اقتصاد مقاومتی فرصتی بود تا بخش خصوصی و تعاونی‌ها که مردمی هســـتند در اقتصاد شرکت داده شوند، اما شاهد اجرا شدن این سیاست‌ها نبوده‌ایم. زمانی که صحبت از عملیاتی کردن سیاست اقتصاد مقاومتی می‌شود، باید همه تصمیمات اقتصادی بر این اساس تدوین شود که مهم‌ترین برنامه آن بودجه‌ریزی است. اما اکنون بودجه‌ریزی بر اساس اقتصاد مقاومتی انجام نشده و دولت همچنان در اقتصاد حاکم است که این بزرگ‌ترین معضل و مانع اجرای اقتصاد مقاومتی است.

این اســـتاد دانشـــگاه تصریح کرد: اگر دولت قصد داشت به صورت جدی روی اقتصاد مقاومتی و پیشبرد این سیاست‌ها کار کند، باید در مدت شش ماه نقشه راه را تدوین می‌کرد و در دو ســـالی که از ابلاغ آن گذشـــته است، باید نیمی از این راه طی می‌شد اما کوتاهی‌ها در اجرای این نسخه شفابخش آن‌قدر زیاد بوده که فاصله با پیشرفت بیشتر شده است.

نگاه دولت هنوز نسبت به اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی جدی نشده و همچنان به آن حاشیه‌ای می‌نگرد در حالی که باید به صورت جهادی روی این مسئله فعالیت و حتی سرمایه‌گذاری زیادی کند.

دکتر مهدی صادقی شاهدانی، کارشناس اقتصادی هم در گفت‌وگو با جام جم تصریح کرد: همه وزرا و افرادی که مسئول اجرای اقتصاد مقاومتی هستند، فقط به تعریف و تمجید این سیاست‌ها بسنده می‌کنند در حالی که اگر این سیاست‌ها خوب است- که حتما این‌طور است- باید عملیاتی شود.

به نظر من برای تعریف و تمجید این سیاست‌ها دو ماه کافی بود؛ اما ا